



**ل** وارد حیاط خانه آقا که می‌شوی شروع به شمردن می‌کنی . یک دوسه چهار پنج شش …می‌شماری می‌شود چهارصد. چهارصد نفر از بختیاری ها آمده‌اند خانه‌اشنا. پناه آورده‌اند. خان بختیاری تمام مال و اموالشان را به غارت برده است. آمده‌اند تا از ظلم خان به‌اشنا شکایت برند. حالا روزهایی که مانده اند را می‌شماری. یک دوسه چهار پنج … سه ماه است که مانده‌ اند… نه امید آنان تمام شده است، نه مردم داری آشنا.

**محمدتقی آقا نجفی**  
حکایت بیداری، ص ۱۳۲ ❀

### خانه مردم

### دفاع از چهارباغ

**ل** ظل السلطان به عمالش دستور داده بود تا درخت های قدیمی چهارباغ را قطع کنند. آنها هم با تبر واره به جان درخت ها افتاده بودند.

خبر که به گوش آشنا رسید بدون فوت وقت، طلبه هایش را خبر کرد. طلاب هم با جوب و چماق و با هر چه به دستشان می رسید، خودشان را به چهارباغ رساندند و با عوامل ظل السلطان درگیر شدند. به فرمان آشنا کتک مفصلی به آنها زدند و وادار به فرارشان کردند.

سایه درختان بر سر چهارباغ و مردم برقرار ماند.

**حاج آقا نورالله اصفهانی**  
اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی، ص ۱۱۵ ❀

سال سیزدهم، شماره ۳۱۰۲، دوشنبه، ۴ دی ۱۳۹۶

نگاهی به اسناد خانه مشروطه اصفهان

# عملکرد سیاسی اجتماعی حاج آقا نورالله در آینه اسناد

می‌کند که برای نظارت و تطبیق قوانین موضوعه در

مجلس شورای ملی به تهران سفر کنند.

این سند نشان دهنده نقش علما در نظارت بروضع قوانین مجلس شورای ملی است.

❀ **نامه سید حسن مدرس** به حاج آقا نورالله مبنی بر لزوم نظارت بر انتخابات اصفهان و قمشه و جلوگیری از ورود اشخاص مفسد به صحنه انتخابات است.

این سند دلالت بر نقش علمای اصفهان به خصوص حاج آقا نورالله در نظارت بر انتخابات دارد.

❀ **از دیگر اسناد** در این رابطه، نامه حضرت آیت الله محمدکاظم خراسانی و حضرت آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی به حاج آقا نورالله اصفهانی است.

❀ **اسناد مربوط به نامه ها و تلگراف های رجال سیاسی کشور و حضرت آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی**

❀ **نامه حاج آقا نورالله اصفهانی** به مجلس شورای ملی مبنی بر به‌کارگیری تمام قوا برای حفظ و صیانت از کشور. در این سند آمده است: (از وکلا محترم مبنی

است به قسم ممکن در صیانت دماء مسلمین و حفظ

حضرت آیت الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی یکی از علمای تأثیر گذار در نهضت مشروطه و بعد از آن است.یکی از منابع مهم شناخت عملکرد سیاسی و اجتماعی ایشان، اسناد تاریخی به‌جای مانده از او است که بخش اعظم آن هم اکنون در آرشیو اسناد تاریخی خانه مشروطه اصفهان موجود است.

این نوشتار در صدد است چند نمونه از اسناد مربوط به عملکرد سیاسی و اجتماعی حضرت آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی را معرفی کند:

**الف: اسناد مربوط به عملکرد سیاسی حضرت آیت حاج آقا نورالله اصفهانی**  
❀ **اسناد مربوط به نامه نگاری ها و تلگراف های آیت الله حاج آقا نورالله و علمای وقت**  
❀ **نامه حضرت آیت الله میرزای نائینی** به حضرت آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی  
در این نامه آیت الله نائینی از حاج آقا نورالله درخواست



محمدرضا کاظمی

است که بخش اعظم آن هم اکنون در آرشیو اسناد تاریخی خانه مشروطه اصفهان موجود است.

این نوشتار در صدد است چند نمونه از اسناد مربوط به عملکرد سیاسی و اجتماعی حضرت آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی را معرفی کند:

**الف: اسناد مربوط به عملکرد سیاسی حضرت آیت حاج آقا نورالله اصفهانی**  
❀ **اسناد مربوط به نامه نگاری ها و تلگراف های آیت الله حاج آقا نورالله و علمای وقت**  
❀ **نامه حضرت آیت الله میرزای نائینی** به حضرت آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی  
در این نامه آیت الله نائینی از حاج آقا نورالله درخواست

تولد ایده گفت‌وگوی ادیان در اصفهان

## گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت در صفاخانه جلفا



کشیش تیزدال



سید محمدعلی داعی الاسلام

که مردم از کم بودن تیراژ مجله شکایت می کردند. این متن دقیقاً مطالب گفت‌وگو را بیان می‌کرد و هیچ دخل و تصرفی در آن انجام نمی‌شد تا مردم، خود به حقیقت پی برده و قضاوت برعهده خودشان باشد.

«مجله الاسلام» توسط فردی به نام سید محمدعلی حسنی ملقب به داعی الاسلام به زبان اردو ترجمه شد و در هندوستان نیز برای فارسی‌زبانان تجدید چاپ شد. و بنابراین‌قول‌هایی در لندن و مصر و حجاز نیز به تجدید چاپ رسیده است. اکنون این مجله توسط اساتید حوزه و دانشگاه تحلیل و تدوین شده و به صورت کتاب تخصصی کلام مسیحی چاپ شده است و در ردیف منابع اصلی در زمینه مسیحیت برای پژوهشگران قرار گرفته است.

بنابر خاطرات مطرح شده توسط یکی از زنان میسیونر

**ل** در سال ۱۳۰۶ هجری شمسی آیت الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی به همراه گروه کثیری از علمای سایر بلاد در اعتراض به خودکامگی‌های رضاخان به قمر هجرت و از مدرس که آن زمان جزو اقلیت مجلس بود، دعوت کرد به قمر مهاجرت کنند. مدرس ضمن حمایت از قیام، به علت اختناق شدید رژیم تروانست به قمر بیاید؛ ولی در نامه ای تاریخی به نکات جالبی اشاره می‌کند:

لازم به ذکر است امام خمینی نیز در این زمان جهت تحصیل علوم دینی در قم حضور داشته و حدود ۲۵ سال سن داشته اند و این قیام را «اساسی ترین قیام» علیه رضاخان عنوان می‌کنند. شهید بهشتی معتقد است امام خمینی برای اولین بار به صورت مستقیم رویارویی روحانیت شیعه با حکومت طاغوت را می‌بیند و این تجربه در شکل‌گیری آینده او، مؤثر بوده است و اما به سراغ نامه مدرسی می‌رویم:

بسم الله الرحمن الرحیم

حضور مبارک حضرات مولای عظام شکرالله مساعیهم الجمله

معرض می‌دارم تلگراف احضاربه آقایان زیارت شد. اولاً: لوثرک‌الغطاء نام ثانیاً: تا آنچه عقیده است اظهار نشود، اصلاح نمی‌شود. ثالثاً: حقیر و آقایان اینجامطیع نظریات هستیم. رابعاً: مواضع کم است، کسر اب بقیعه.
آبان ۱۳۰۶- مدرس

غطاء نام مرغ مجنوننی است که در صحراهای خشک و سوزان عربستان یافت می‌شود و مدام گرفتار تعقیب صیاد است و هیچ وقت راحتی ندارد؛ از این نظر جمله بیمارستان خورشید، یادگاران نور است. نوری که در ۴ دی ۱۳۰۶ به حجاب خاک شیده شد؛ اما تالو انوار آن بر باقیمانده ماجرای تاریخ تأیید. رازها که برملا شوند دیگر شوقی برای شنیدن آنها نمی‌ماند؛ اما ماجرای آن اتاق هنوز هم در راهرو تاریخ می‌پیچد. داستان پزشکی که از تهران آمده است و خود راشفال‌الدوله معرفی می‌کند. کسره که فتنه‌شود، شفا زیورومی‌شود. شفایی که از این دولت باشد؛ همان جان‌کندن است. پیرمرد می‌آید مقاومت کند؛ اما تا لحظاتی بعد سقم در درگ های هفتاد ساله اش جاری می‌شود و ساعتی بعد روحش به آسمان

### قنسول بیگانه هرگز!

**ل** عده ای از سربازان که حقوق آنها عقب افتاده بود به قنسول روس پناه بردند و با تحصن زیر پرچم

روس، اعتراض خود را اعلام کردند. بدون معطلی به منبر رفت و خبر که به گوش آشنا رسید، بدون معطلی به منبر رفت و گفت: از اشخاصی که مثل این چند نفر سرباز بی شرف که به

قنسول روس پناه برده‌ اند، دوری کنید.

امروزمی توان گفت که رفتن این بی غیرت ها به حمام

مسلمین اشکال دارد.

**حاج آقا نورالله اصفهانی**  
مشروطه‌ای که تاج نمی‌خواست، ص ۱۱ ❀

الله حاج آقا نورالله اصفهانی

در این سند گزارش تعمیر مسجد مرحوم حاجی آباد ذکر شده است.

❀ **نامه حضرت آیت الله حاج آقا نورالله** به حکومت اصفهان

در این سند حاج آقا نورالله حکم به توقیف شلنگک مورد دعوی می‌دهد و رفع توقیف را منوط به روشن شدن اختلاف می‌کند.

این سند حاکی از آن است که حاج آقا نورالله در بحث اختلافات مردمی حتی زمانی که حکومت اصفهان مجری است، وارد می‌شود.

❀ **شهادت نامه** بعضی از اشخاص در محضر حضرت آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی در خصوص شزارت‌ها و سرکشی‌های نادعلی ابن آقا اسماعیل.

این سند حاکی از آن است که حاج آقا نورالله در امور قضایی شهر نقش مهمی داشته اند.

❀ **نامه مادر صدر المحدثین** به حضرت آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی مبنی بر وساطت برای آزادی فرزندش

از حبس

❀ **تعهد نامه** خوانین بختیاری مبنی بر تلاش و کوشش در برقراری نظم و حفظ امنیت در اصفهان. ❀

نامه پرزور و رمز مدرس به حاج آقا نورالله اصفهانی

## مطیع شما هستیم



مهاجرین قم بازی می‌کند و ممکن نیست یک قدم برای اجرای نظریات و مقاصد آقایان بردارد؛ چنانکه بر نداشت. به همین نظر عقیده خود را به آقایان تلقین کرد که حرف آخر را سرنگونی شاه است صریحاً بگویند و خودشان را معطل نکنند. ولی باید انصاف داد حاج آقا نورالله تنها چه می‌توانست بکند؟ مدرس در ادامه خود را مطیع نظریات و اهداف حاج آقا نورالله و قیام می‌شمرد و این نشان از عظمت شخصیت حاج آقا نورالله است که مدرس این چنین ابراز وفاداری و عقیده می‌کند. در قسمت آخر نامه می‌گوید، مواضع کم است؛ کسر اب بقیعه در این قسمت مدارس. قدرت رضا شاه را همچون سراب دانسته و به حاج آقا نورالله می‌گوید که مبارزه را تا سرنگونی شاه ادامه دهد؛ چرا که این قدرت یوشالی است. ❀

(لوثرک الغطاء لنام) یکی از امثال عربی شده و ترجمه آن این است؛ اگر صیاد غطاء را ترک می‌کرد و از تعقیب آن منصرف می‌شد، اومی‌خواید؛ به طوری که مشهور است حضرت سیدالشهداء علیه السلام) که در جنگال مظالم اموی‌ها گرفتار بود. این مثل را به زبان آورد تا وضعیت خود را به دنیا بفهماند، مرحوم مدرس نیز با ذکر این مثل آقایان مهاجرین را به مشکلات زندگی خویش متوجه ساخته و کلیه عقاید و نظرات خود را در قسمت دوم نامه توضیح داده و نوشت: تا آنچه عقیده است اظهار نشود، هیچ کاری اصلاح نمی‌شود. مدرس می‌دانست دربار سردار سپه که آزادی ناتوانی قیافه حق به جانب به خود می‌گرفت و در موقع قدرت کوس لمن الملکی خود را به آسمان می‌رساند و استاد را می‌گویم و استعمار. استعمار که می‌باشد، دشمن آزادی است. هر کس که مانع این ملت باشد، دشمن آزادی است. مدرس می‌دانستند ندارد. حاج آقا هر مستیدی که بر سر راه مردم می‌نشتست را بر سر جایش می‌نشانند.

مشروطه خواه و مستبد هم نداشت. آن چیز که مهم بود، مردم بودند. مردمی که از نهضت تحریم تنباکو تا آخرین نفس‌های مشروطه آمده بودند. مردمی که عدالت می‌خواستند؛ هر چند به اجمال، به هرفهمی که از عدالت داشتند، طالب آن بودند و برای رسیدن به این مقصود، آزادی را طلب می‌کردند. آدم‌ها می‌آیند و می‌روند؛ اما قاصه هایشان پایانی ندارد. برخی آدم‌ها قاصه‌شان به یک ملت گره خورده است. ملت ما بزرگ خواهد شد. برخی آدم‌ها بزرگ فکر می‌کردند. ❀



آدم‌ها می‌آیند و می‌روند؛ اما قاصه هایشان پایانی ندارد. برخی آدم‌ها قاصه‌شان به یک ملت گره خورده است. وقتی که جنازه حاج آقا نورالله را از قم می‌بردند، طلبه ای بود که نگران، ماجرا را دنبال می‌کرد.

۳۵ سال گذشت تا شهر قم دوباره قاصه خوان همان ماجرا بشود. انقلاب اسلامی از بی‌ماجرای بیداری اسلامی آمد. بیداری که پیش از این تجربه‌های تحریم تنباکو و نهضت مشروطه را به خود دیده بود.

# پیکر

ویژه‌نامه اندیشه و علوم انسانی روزنامه اصفهان زیبا/ شماره نهم/ ۴ دی ۱۳۹۶